

ما شاء الله لا قوة الا بالله

این کتاب فیض الکتاب محقق بن محمد قزوینی سیال غفایه قدس سره و نافع خواص علوم و سوره



مولف عالم فاضل فخری کمال علی بن موسی محمد صاحب دانشی بن اسماعیل صاحب انصاری

مطبع نور لکسبکند ربابی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى نَبِيِّكَ الْكَرِيمِ
 وَحَسْبُكَ وَصَحَابِهِ أَجْمَعِينَ - اما بعد چون این تضرع را در
 سید محمد شامی بن سید اسماعیل نقل شده است که طلباء و متعلمین در سینه
 آنها باشد - درین زبان نیافتم بنابراین سطره چند که محتوی مضمون آیه المقصود باشد
 بقید در آورد و این را معین الا سلاسل نامیدم که در بیان التوفیق الی الله
 در ذکر عقائد ضروری در این سطره مذکور که او تعالی بپاک است بپاک
 چشم و ازین زبان بهجت دار و نه مکان - همیشه هست و خواهر بود - وصفات او مشایخ
 و نقصان نیست صفات ویرا - او تعالی زنده است نه جان - ذات است نه به علم - توانا
 و بی نیاز است نه کمالات - بی نیاز است نه بچشم - گو یا است نه به زبان - همه چیز از خوا
 دی است - پاک است از عیبها و نقصانها عقیده اصل ایمان اقرار کردن است
 بر زبان و یقین و استن از دل بضمون **لا اله الا الله محمد الرسول الله**
 یعنی نیست معبودی که لائق پرستش باشد مگر الله تعالی و محمد رسول الله صلعم و متاد و
عقیده ایمان مفصل آنست که اقرار کند بر زبان به راستی دل که گردیدیم بخدایت
 و انبیا و اولاد و کتابها و او بر رسولان او بر رسولان او بر تقدیر نیکی و بدی
 که از خدای است ایمان محمل آنکه - ایمان آورد به همه حقها و انکار کند از همه باطلها -
 او تعالی از نیکی خوشتر است و از بدی ناخوش - عقیده حضرت ائمه
 علیهم السلام آنچیکه از پیش خدا تعالی از او امر و نواهی آورده اند همه حق است سوال منکر
 و نکیر در گور و حشر و نشر و حساب و کتاب و کرامات و ثواب و عذاب و مضطرب قبر

و نیز آن و بطریق همه حق است عقیدہ کا دوزخ برای کا قرآن است و بہشت
 برای مسلمانان - عقیدہ کا خداے تعالیٰ ہمہ را بیا مژ و دیگر مشرک را عقیدہ کا
 کرامت اولیا و شفاعت انبیا و صلحا و شہداء و اطفال مسلمانان حق است عقیدہ کا
 حضرت مصلی اللہ علیہ وسلم را اذن شفاعت در دنیا شدہ است و پھر او در قیامت
 خواہد شد عقیدہ کا ثواب و عاصیات و عمل نیک مر مردگان را می رسد عقیدہ کا
 بنائے اسلام پنج است کلمہ گفتن - نماز گذاردن - روزہ داشتن در ماہ صیام
 زکوۃ دادن - حج گذاردن و حال استطاعت عقیدہ کا واجبات اسلام ہفت است
 صدقہ فطر - قربانی اضحیٰ - نماز وتر - نفقہ و فوی الارحام - خدمت مادر و پدر - خدمت
 شوہر مرزن را - عمرہ بجا آوردن - عقیدہ کا سنت ہای اسلام - تموی لب
 باز کردن - تموی زیر ناف تراشیدن - ناخن چین - موی زیر بغل دور کردن و
 مسواک کردن - ختنہ کردن - عقیدہ کا تفصیل گناہ کیہ - شرک کردن بجا الہیقا
 قتل کردن مومن را نہ با حق - ہمت بہ زنا کردن زن شوہر دار را - فرار نمودن
 از جنگ کفار - سحر کردن - خوردن مال یتیم - نافہرانی کردن مادر و پدر را - شراب
 خوردن - و مانند آن چنانچہ شہادت نا دیدہ ادا کردن - سوگند و رقی خوردن -
 قزاقی و غیبت کردن و غیرہ مسئلہ فرض بر سہ گونہ است - فرض عین - فرض
 کفایہ - فرض نفی - فرض عین آنست کہ یکیک فرد را بدان قیام باید نمودنہ کہ از قیام دیگران
 ساقط شود - مانند پنج بنائے اسلام - فرض کفایہ آنست کہ چون بعضی بدان قیام
 نمایند از ذمہ دیگران ساقط گرد و مانند جواب سلام و جواب خطبہ و نماز جنازہ - و
 عیادت بیمار - فرض نفی آنست کہ با جہاد و مجتہدان ثابت شدہ باشد مانند آب
 و روہن و مینی کردن و غسل - مسئلہ فرض عین بر دو قسم است فرض دائمی و
 فرض موقت - فرض دائمی مانند معرفت حق و یزاری از کفر و موجبات آن - فرض موقت
 مانند نماز و روزہ و زکوۃ و حج فایدا مجتہدین اہل سنت چارہ اول اعظم
 یعنی ابو حنیفہ کوفی کہ نام مبارک او نعمان بن ثابت است مناقب او بسیارند بامعظم
 شکر و امام جعفر صادق علیہ الرحمۃ و ہمہ حسن بن مثنی بعد تحصیل عزت نشین
 گردید و حکم رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم از قرآن حدیث شایلی می برد و دوم
 امام شافعی رحمہ سوم امام مالک رحمہ چارم امام احمد حنبل رحمہم اللہ تعالیٰ -
 عقیدہ کا از مہنہ ہا حضرت مصلی اللہ علیہ وسلم افضل اندلس حضرت
 ابی امیہ و موسی و عیسی و نوح و اسحاق و یعقوب و ادریس و یوسف

وہیں لکھا ہے کہ یہ سب کچھ حضرت علیؓ کے ہاتھ لکھا گیا ہے۔
 اول حضرت ابابکر صدیقؓ دوم حضرت عمر فاروقؓ سوم حضرت عثمانؓ
 چہارم حضرت علیؓ ابن ابی طالبؓ رضی اللہ عنہم۔ عقیدہ کتب اسلامیہ
 چہارم زبور، انجیل، تورات، فرقان مجید عقیدہ کچھ اور
 جبریل، میکائیل، عزرائیل علیہم السلام۔

دس دیکر عبادات

Checked
1987

درس دیگر عبادات

بدان ای فرزندان که عبادت بر چهار قسم است اول فرض که از نفس قطعی ثابت شده
و منکرش کافر گرد و تارک آن لایق عذاب - دوم واجب که منکرش کافر گرد و منکر
تارکش در عذاب باشد - سوم سنت که منکرش بوجه تحقیق کافر باشد و تارک آن
منزله او را ملات و عتاب - چهارم نفل که عاقل او شایع باشد - در ذکر وضو
بدانکه در وضو چهار فرض است اول روی شستن از برپای پشیمانی تا زیر زانو
و از یک زانو گوش تا زانو گوش دیگر دوم هر دو دست شستن تا از بجه شوم مسح
رابع هر از هر طرف که خواهد چهارم یا سه شستن تا شستمالک در ذکر سبته
وضوء - سنت است در وضو نیت کردن - نام خدا بر زبان راندن - هر دو دست
شستن تا بند دست - مسح او کردن - آب در بینی - دو پا کردن - خلل کردن
انگشتان و ریش - و سه بار شستن هر عضو را - مسح کردن تمام سر را - ترتیب انگشتان
در پانچ شستن - در ذکر مستحبات وضوء - مستحب است در وضوء شروع کردن از جبهه
سنت مسح کردن - مسئله شست و شوی وضوء نماز است - شرط وجوب نماز
وقت است - در ذکر شستن و وضوء - می شستند وضوء را پنج پیش و پس
طاهر گرد و - خون روان - زرد آب روان - خواب بکیه زده - قی به بری وین گویند
یا خون بسته اگر با خون براق شامل و غالب باشد ناقص نیست همچنین قی از بلغم خاص
بیهوشی - دیوانگی - خنده قهقهه در نماز که رکوع و سجود دارد - مباهلت فاحشه
در ذکر فراغ غسل بدانکه غسل است چنانچه فرض است آب در بینی و زدن
کردن - و تمام اندام را شستن - مسئله اگر با وجود موی بافته زن آب برسد
در گوش ضرر نیست - مسئله سنت است شستن هر دو دست پیش از وضوء
و شستن شرمگاه و دور کردن نجاست از بدن - مگر هر دو پا را بعد غسل بشوید
و سه بار بر آبرو آب روان سازد - مسئله در واجبات غسل -

بدان که غسل از چهار چیز واجب میشود - اول غائب شدن سر و روزه قبل یا در بر - دوم
اتزال که بر سهیل وقت و سهوت باشد در خواب یا در وقت بیداری سوم از حیض -
چهارم از نفاس بعد از پاک شدن مسئله از بر آمدن و ذی و نزی و از احتلام که
در آن ظاهر باشد غسل لازم نمی آید - مسئله سنت است غسل روز آومینه و غنیمه
در آن روز - مسئله واجب است غسل مرده بر زندگان غسل
مسئله در آن روز واجب است - مسئله در یتیم بیار فرض است
اول نیت کردن دوم خاک پاک سوم یک ضرب برای روزه چهارم ضرب دیگر
برای سه روز و دست - مسئله شکسته وضو مبطل یتیم است و غیر قدرت استخوان
آب یتیم جایز می شود در حالیکه آب بقدر یک گریه باشد یا بیار که غف مضرت باشد
یا بر لکان آب خوف دشمن یا سباع باشد یا قیوت و دو چند دارد و یا بر چاه و یا بر
اسب یا بادن آب موجود نباشد مسئله در نماز نیکه خلف او را نباشد یتیم روست
مسئله محراث را یتیم بجای وضو است و مجتنب را بجای غسل است مسئله
از یک یتیم دو فرض یا زیاده گذاردن جایز است - دس ذکر آب آب روغن
و آب ده مرده پاک باشد تا وقتیکه رنگ یا بو یا مزه متغیر نشود - مسئله
سوائے آب روان و آب کشته نجاست که باشد یا بیاختس باشد از آب جاری
وضو و غسل جایز است اگر نجاست در آن افتاده باشد لیکن شرط آن است که
اثر نجاست ظاهر نباشد - مسئله هر جانوریکه خون روان ندارد و مردنش آب را
نجس نمی کند چنانکه گیس و شتر و ماهی و غول - مسئله اگر برابر موشین حیوانات
در آب افتد و بمیرد ببت دلو میانه کشند و اگر برابر جام باشد چهل دلو میانه کشند -
و هر چه مانند گربه باشد شخصیت دلو بر کشند و هر چه مانند گوسفند باشد همه آب بر کشند
و اگر جانور سوائے آنس کرده یا پاره پاره گردیده یا بوی آنش فرو ریخته باشد
باشکم دریده باشد همه آب از چاه خالی سازند - دس ذکر مسحه مویزه کلاه
بر موزه مرد و زن را درست است مسافر را شبیه مروزه و یتیم را یک شب تا مروزه را
بر طهارت کامل پوشیده باشد ناقصش ناقص وضو است - اشتکاف در موزه که
برای بسته انگشت باشد مسح را مانع است و نیز تمام مدت دس ذکر دباغت
پوست مرده سوائے پوست آدمی و دختریه از دباغت پاک می شود مسئله
جلد جانور مذبح بغیر دباغت پاک است مسئله موی و استخوان مرده پاک است

درس ذکر حیض و نفاس حیض آن خون است که از رحم زن جوان بیرون می آید کمتر است
 آن سه شبانه روز است و اکثر آن ده روز اگر ازین مدت زیاد و کم گردد و بیاضی هم مسئله
 نفاس آن خون است که بعد از تولد زن جوان ظاهر میشود اکثر مدت آن چهل روز است
 و کم را حدی نیست مسئله زنان در حیض و نفاس نماز نگذارند و روزه ندارند و
 در مسجد نه در آیند و طواف خانه کعبه را ادا نکنند و بغیر غلاف قرآن مجید را لمس نکنند و
 با شوهران جمع نشوند مگر روزه قضا بکنند مسئله خون استحاضه حکم خون منی و آب
 بهر نماز را وضو تازه باید کرد درس ذکر طهارت ثوب و انعام پاک می شود از آب و نمک
 آن چنانکه سرکه و آب و عصا به میوه مسئله کفش و موزه پاک نمی شود از مالیدن اگر
 نجاست تدار باشد ورنه بایست مسئله ششیر و چاقو و آینه پاک میشود از مالیدن
 و زمین از خشک شدن بشرطیکه نشان باقی نماند نماز بران درست است و سیم روایی
 فایده نجاست تدار مثل غایت و سیرگین و غیره تدار مثل بول و غیره درس ذکر نجاست
 خون و شراب و سیرگین و روغن و آب و مس الکلند و لیکن کوبه گردد و بول جانوران مردار
 نجاست معتدله باشد برابر و در غیر نجاست مانع نیست و معاف است و علی هذا القیاس
 بول جانوران خلل و مس الکلند و پرنده گان حرام نجاست مخفف است مقدار یک حب
 و عرض و طول نماز را مانع نیست مگر ناپاک کردن اونی مسئله بهر نجاست که مرئی است
 چندان بشوید که در شود و غیر مرئی را سه بار بشوید و هر بار خشک کند چنانکه قطره موقوف
 شود مسئله استنجا از خاک و سنگ و خشت است و از آب فضل درس کسب نجاست
 در اوقات نماز وقت فجر از صبح صادق تا طلوع آفتاب است وقت ظهر عین آفتاب از آن
 گذرد تا نصف سایه از سایه اصلی هر عصر وقت عصر از آن گذرد تا غروب آفتاب
 وقت مغرب از غروب آفتاب تا زوال شفق وقت عشا از زوال شفق تا صبح صادق مگر
 بعد از نصف شب مگر دست و وقت او تر بعد از عشا تا فجر است مسئله نماز و سجده
 تلاوت و نماز جنازه وقت طلوع و غروب و استواء آفتاب منع است درس ذکر فرض ایض نماز
 فرض است در نماز تن و جامه و جاسه پاک داشتن و متهم عورت و مشاغل وقت نماز
 و نیت نماز و رو کجانب قبله کردن این هفت خبر را احکام و کشد از نماز می گویند
 تکبیر اول - و قیام - و قنوت - و رکوع - و سجود - و قعد آخر - و بیرون آمدن معصی از نماز
 بفعل - این را از کار نماز میگویند مسئله در واجبات نماز واجب است و نماز
 سوره فاتحه خواندن و ختم سوره بان تعیین قنوت و رکعت اول از فرض است

ترتیب در میان ارکان نماز - تقدیل ارکان یعنی قرار گرفتن در رکوع و سجود مقدّم
 سه شیب - قعدۀ اول و التیحات خواندن در هر دو قعدۀ - بلند خواندن در سه نماز است
 خواندن در دو نماز امام را و منفرد مختصر است - بلفظ سلام از نماز بیرون آمدن تکبیر
 بعدین خواندن - دعا و قنوت در وتر اگر بایده باشد بنا آئینا فی الدنیا حسنة
 و فی الاخرة حسنة و قنات عذاب النار - یا اللهم اغفر لی تا آخر سه بار بگوید
 در ذکر سنتهای نماز سنت است اذان و تکبیر تا امت بر سه نماز فرض
 و ثنا خواندن بدین کلمات - سبحانک اللهم و بحمدک و تبارک الاسماء
 و تعالی جددک و لا اله غیرک و تقو یعنی اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ
 الرجیم - بعد از آن تشبیه یعنی لبسم الله الرحمن الرحیم و آمین سه گفتن
 تکبیرات در رکوع و سجود و در دو خواندن بدین کلمات اللهم صل علی محمد
 کما صلیت علی ابراهیم و علی ابراهیم انک حمید مجید - اللهم باریک
 علی محمد کما باریک علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید
 و دعا این است اللهم اغفر لی و لوالدی و لمن تولد و ارحم هم کما ارحم
 ضعیفا و کجیم المومنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الا حياء
 منهم و الاموات برحمتک یا ارحم الراحمین و رفع هر دو دست و وقت تکبیر تحریم
 مروان را تا اذن - و زمان را تا دوشش - و دست بپشت مروان را زیر ناف
 و زمان را بر سینه چنانکه زمین بر بسیار باشد - دست بر رگبها و در رکوع -
 سبع المثلین حمد گفتن تمام را - و در بنا لک الحمد گفتن مرتقد می را و منفرد
 هر دو صیفه گفتن - و رفع سبابة در پیش منزه بر لفظ لا اله و نهان لفظ
 الا الله - در ذکر مکر و هات نماز - مکر و هست اندر نماز کاریکه خارج
 از نماز باشد کردن - بر منته گذاردن بغیر عذر و درست رست کردن بیا
 و تحمیزه کردن - بند انگشتان شکستن - چادر و غیره از دوش آویزان داشتن
 ترک سنت کردن - از صف علیخده استخوان - انگشتی و غیره از زیر پوشیدن -
 در ذکر مفسداات نماز مفسد است هر نماز را بالاتر از امام ستاد و دخول
 و نوشیدن و کلام کردن و قرآن ویده خواندن و جواب عطسه گفتن و فعل کثیر
 کردن و سلام کردن و جواب سلام دادن و بستماع خوشخبری الحمد شد
 گفتن و یا از مصیبت آنا شد گفتن و بغیر عذر تنج کردن و خندیدن و نالیدن

در وی گردانیدن از جانب قبله دس ذکر آداب نماز در وقت قیام سجده گاه
نظر کردن و در وقت رکوع نظر بر اقدام و وقتین و در سجده نظر بر بینی گذاشتن و وقت
در کنار خود دیدن چون قصد سجده کند اول آن عضو بر زمین ببرد که بر زمین قریب باشد
علی هذا یک عضو را تمام بر زمین ببرد و وقت قیام عکس آن بکند و چون سلام دهد
روستای خود را اول جانب میین و بعد از آن جانب یسار برگرداند و بدان را نزدیک
فاز ببرد نماید و سه فرات تا او باشد باز دارد و مسئله جماعت سنت مکرره است هرگز
بغیر غدر ترک آن لازم نیست و احق با امامت عالمتر بفقہ است پیست عالم بقرات قرآن
بعد از آن متقی و همچنین بدرجات - مسئله اگر در حالت نماز وضو و مصلی ساقط
شود باید که وضو کرده نماز را تمام نماید اگر حرکتیکه مفسد نماز است صادر شده باشد
مگر از سر گذاردن اولی است - اگر از امام وضو گرفته باشد مقتدی را خلیفه کرده
وضو بکند دس ذکر نماز فوائت در نماز وقتی وفائت و باهم در تمام فائت ترتیب
فرض است و از تنگی وقت و بیان و کثرت فوائت یعنی از وقت شش تا ترتیب
ساقط میشود مسئله اگر از سهو در نماز واجب ترک شود یا در فرض تقدیم تا ضرر
شود سجده سهو لازم آید بعد تشهد یک طرف سلام داده و سجده سهو بکند بعد تشهد
و در دو دعا خوانده نماز تمام کند منفرد باشد یا امام - مسئله از سهو امام بر مقتدی
و سبق سجده لازم آید ف سبق آنست که امام را در یک رکعت یا زیاده
از آن دریافت باشد دس ذکر نماز وتر نماز وتر بیست رکعت یک سلام
واجب است و در هر رکعت بعد فاتحه خمس سوره بکند و در رکعت سوم پیش از رکوع امام
و مقتدی هر دو قنوت بخوانند اگر یاد نماند سه بار ربنا اتا بخوانند یا اللهم اغفر لی
یا آخر سه بار بخواند - دس ذکر مسافر اگر کسی براه سه روز اراده سفر کند سفر تری
باشد یا خشکی یا ماه باشد یا سوار چون آمادی وطن از نظر عائب شود فرض جایگانی
قصر کند یعنی دو رکعتی بخواند و روزه را افطار کند - مسئله اگر در وطن یا در شهر
اراده قیام یا روزه روز بکند حکم مقیم دارد - مسئله قضا نماز سفر و حضر و جایگانی
بگذارد و قضای حضر را در سفر جایگانی - مسئله اگر مقیم امام باشد و مسافر مقتدی
مسافر نیز چهار رکعت بگذارد اگر مسافر امام باشد مقتدی مقتدی را باید که بعد از سلام
نماز را تمام کند - مسئله در هر رکعت قبل از فرض فجر و چار رکعت پیش از فرض
ظهر و و بعد از آن و چار قبل جمعه و چار و دو بعد آن و دو بعد مغرب و عشا سنت مکرره

مسئله بر چهارده مقام در قرآن مجید سجده است بر تالی و سامع سجده واجب می شود
 اگر در نماز باشند یا بیرون از نماز در سادگس نماز جمعه نماز جمعه بر هر مرد و آزاد
 جوان نذر است و مقیم فرض است بعد و چوب ترک آن میراث قساوت قلب است
 شرایط آن اینست - شهر - یا تمامی شهر - مسجد جامع - یا دوشاه اسلام - وقت
 ظهر - خطبه - جماعت - اگر مقتدی باشند اذن عام برای دخول مسجد مسئله
 چون خطبه شروع شود شنیدن آن واجب است - در آن وقت نماز بگذارند و در ذکر
 نماز عیدین - نماز عیدین واجب است بر کسیکه واجب باشد بر جمعه شرایط جمعه
 و عیدین یک است - مگر خطبه در عیدین بعد نماز است - و وقت نماز عیدین بعد از طلوع
 آفتاب تا زوال است و در نماز عیدین شش تکبیر است سه بعد نماز و سه در رکعت دوم
 قبل از تکبیر - مسئله تکبیرات تشریق با تمام از روز عرفه تا عصر سیر و هم است -
 در ذکر کسوف و خسوف چون آفتاب گرفته شود بگذار و دو رکعت نماز
 یا امام یا بی او و چون ماه گرفته شود نشود و بخوانند تا وقتیکه خسوف گرفته باشد در استغفار
 باشد در ذکر نماز استسقاء - چون امساک باران شود و خلق بهر اسباب
 گرد و هر صلی رود و دو رکعت نماز بگذار و به نیت استسقاء و خلق در لباس بپوشند
 و امام خطبه بخواند و ستاده و بگوید در ذکر نماز خوف اگر دشمن یا سباع
 خوفی باشد دو گروه گروه شود یک گروه نماز او کند - گروه دیگر در دفع دشمن کوشد
 مقیم دو رکعت و مسافر یک رکعت بگذار و چون گروه اول از نماز فارغ شود بمقابل
 خصم بگردد و دوم نماز بگذار و چون مضاره باشد او کشد سوار باشد و با نوا
 نماز او بگذرد هر طرف که تواند رود - در ذکر تراویح در ماه صیام بعد از عشا
 پیش از وتر نماز تراویح سبست رکعت بده سلام بگذار و بعد هر چهار رکعت جلوس کند
 بقدر چهار رکعت - مسئله در تراویح یک ختم قرآن سنت است - در ذکر
 نماز تهنات نماز جنازه فرض کفایه است و شرط آن اسلام و طهارت میت است
 ولی میت هر گز اجازت بدر امانت نکند - مسئله در نماز جنازه چهار تکبیر است
 در اول ثنا در دوم در و در سوم دعا و مغفرت در چهارم سلام و دعای مغفرت
 نیست - اللهم اغفر لحینا و میتنا و شاهدا و غائبنا و صغیرنا
 و کبیرنا و ذکرنا و اثنا اللهم من احیتنا منا فاحیه علی الاسلام
 و من توفیتنا منا توفیه علی الایمان - اگر میت زن باشد ضمیمه جای
 هو - بخواند اگر جنازه طفل باشد این دعا بخواند اللهم احیله لنا قنطارا

واجب له لذا اجراء و جعله لنا شافعا و مشفعا بخواند اگر بخانه صبیه باشد
بجای اجعله اجعلها بخواند و بجای شافعا و مشفعا شافعة و مشفعة بنحو
نیت بخانه این است - نماز بخانه می گذارم بجهت تکبیر بر استی - عذای تقوی و دعائو
برای این میت دس ذکر سر و زکا روزه عبادت است از ترک اکل و شرب و جماع
و از صبح صادق تا طلوع آفتاب نیت در روزه شرع است - مسئله بر هر مسلمان
عاقل و بالغ مرد و باشد یا زن آزاد باشد یا غلام روزه رمضان فرض است و روزه نذر
واجب است مسئله نفسا و حائضه و مسافر و مریض قضا کند مسئله از فراموشی
چیز بجز دریا یا بیابان یا جماع کند و غیره چنانکه احتلام شود و در سر و عن اندازد و در
سر نه کشد و در روزه نقصان نیاید - مسئله در نفقات روزه جماع یا غلام کند
یا کناند یا قصد غذا یا دو آنچیز و یا بنویسد قضا و کفاره هر دو لازم خواهد شد مسئله
کفاره روزه اینست اگر تواند بنده آزاد کند یا پی در پی و یا به روزه دارد یا شصت
مسکین را به سیرتی شکم طعام بخواند مسئله شیخ فانی که روزه دشتن نه تواند
فدیه و دیگر طعام یک مسکین است دس ذکر صدقه غلط صدقه و قطر واجب است بر آن
کس که زکوة بر او واجب باشد و وقت آن پیش از طلوع آفتاب است مسئله صدقه
برای هر فرد یک صاع جو یا نیم صاع کند م است مسئله صدقه و قطر بدو از طرف
غولیش و از سجده غولیش و بنده و خویش - دس ذکر اعتکاف در آخر عشره رمضان
به نیت اعتکاف در مسجد مختلف نشیند سنت مکره است - وزن در مسجد جای نشیند
و معتکف بی ضرورت از مسجد بیرون نیاید مگر بر ضرورت حاجت چنانکه نازی یا رفع
حاجت بشری - مسئله معتکف را خرید و فروخت و خوردن و آشامیدن و محقق
در مسجد جایز است مگر به باب خرید و فروخت و در مسجد حاضر نکند مسئله وطی و لباس
و بوسه و اعتکاف حرام است اگر نیت اعتکاف روز یکم شب هم و اعتکاف است
دس ذکر نیکو زکوة و آدن از مال فرض است بر هر عاقل و بالغ مسلمان آزاد که
مالک لثاب باشد و ملک کامل داشته باشد - مسئله زکوة بے نیت ادا نمی شود
باقی را از کتب دیگر دریافت نمایند دس ذکر حج - حج خانه کعبه و عمر یکبار فرصت است
بر مکلف صاحب اسلام بش یا حریت و صحت و زرا و راحله را و آد رفت موافق
باشد و از حاجت اصلی فاضل باشد و براس سوازی و نفقه عیال ندارد است و
در راه امن باشد مسئله اگر مسافت سفر در میان نباشد غیر محرمات را دست

یکدم چهل گذاری شاید که دم آخر باشد و در یاد حق مشغول باشی باشد - ای فرزند در هر دم
 خدا را یاد کن و حق را دوست دار که آخر کار با دوست نمی بینی که چون کسی میر و یار و دوست
 و فرزندش تا که بر رفتی اندر شکم زمین سپرده می روند چون حال این است محبت با ایشان
 چه شود - دل در بند کسی که دانا و بقا دارد و ادعای هست و بس - ای فرزند از جاده توحید
 برگرد در صوم صلوٰه قائم باش و کار دنیا را مختصر کن که فرصت کم است دنیا را و فایده است
 هم دین خور غم دین خور - ای فرزند تا توانی با وضو باش وضو حصار است آهنی مرسل را
 که صاحب او در حفظ باشد - ای فرزند چون صبح بر خیزی خدا را یاد کن از حاجت خدایت
 فارغ آنست و منوچهر و خورشید از منوره یسین شریف و ایم منوچهر و پاره لبت
 قرآن شریف لازم که هر چند توانی کثرت درود کن - ای فرزند در هر کار هر چه
 تو کن بر خدا کن بدو اسباب تمکین کن - ای فرزند در نماز سستی کن که دل
 و پیشانی است - ای فرزند جگر ترک کن - و تر گذارده در خواب رو - ای فرزند علم بیاموز
 که جهت خالقیست و جهت مخلوقیت نیکو شناسی و تامل کن پندیده از علم حاصل کنی - ای
 فرزند در حدیث صحیح وارد است که هر صباح و مسالیم الله الذی لا یضر مع هممه
 شیئی فی الارض و لا فی السماء و هو السميع العليم - سه مرتبه بخواند از هر روز
 بر کنار باشد چنانکه تفسیر یاد دارم که روزی این دعا را وظیفه کرده بودم بعد مغرب از سقف
 خانه گردم بر جسم من افتاد من از اشتغال دیگر امور خیال کردم بروالتفات نکردم و همچنین
 از دست دومی کردم باز برمی آمد تا سه مرتبه چون نیک نگریت و دانم که عقرب است پس کارش
 تمام کردم لیکن از پیشش محفوظ ماندم و هشتم که حرکت دعا است - ای فرزند که اگر کثرت
 غم بر تو هست و نماند - لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم را ملازم باش - ای
 فرزند چون در سر انجام کار مشغول باشی افوض امری الی الله ان الله بصیر
 بالعباد - بخوان از عیب کار سازی گرد - ای فرزند استغفار را ملازم باش که در آخرت
 خوشنود باشی - ای فرزند او ستاد ادب کن که خیر الایمان است - ای فرزند و از آزاری
 مباش تا توانی راحته رسان - ای فرزند همان را تعظیم کن که همان انعام خداست - ای فرزند
 با جوار با محبت و با شفقت باش روزی پدرم رحمة الله علیه مرا ندی فرمود که ای فرزند
 زندگانی کن با خلق بی غرور و با وقار و با خلاقیت و نیاز و خلوص الحق خوب فهم فرمود ای فرزند
 دان و در فرزند را نیکو دار - ای فرزند تا توانی در شستن و پختن و گفتن و ملاقات
 و حفظن و خوردن و پوشیدن و نوشیدن و دادن و در جمیع احوال

جانب شریف و با فروزگی و شریعت پیغمبر صلی الله علیه و سلم همه ادب است -
 یقین بدان که با در خانه چند ستمان مستقیم لازم همان ادب است هر که ادب و زهد
 چه پیش خالق و چه پیش خلق عزیز گردید و انجیل الله او کلا و کفر او صلی الله
 علیه محمد بن خیر الوری و علی آله و اصحابه اجمعین -

قطعه نایب اهتمام از فقیر مؤلف

خوش بگوئی سپاس بجهت

خوش بیان نماز و روزه بود
 ۱۳۰

باشمخی ختم کتاب عزیز
 گفت سالت دلم ز روی بجا

قطعه نایب اهتمام از برادر مؤلف سید محمد و صاحب

صاحب عرفان نسبت این فضل دانی

مردود فراق صلی شاد و باش صافی

یادگار باشمخی یکم نگار باشمخی
 ۱۳۵

حضرت اخوی من نواله فضل و عتبا

خوش گوی گفت اندر فقه آن یحنا

گفت محمود بنیا را گین سن اتمام

قطعه نایب از همیشه زاده مؤلف مولود سید بهادر الحق المکنی ابوالخیر

بهت و دین عالم و جاهل

و رسایل مدلل و محصل

سخن دین و دولت کامل
 ۱۳۵

آنکه موی من بفضل کمال

کرد تصنیف یک کتاب عجیب

گفت ابوالخیر سال اتمام

(میدیدم حاجی محمد علی صاحب شریف چارچوب)

اطلاع

در نیا کتاب فیض کتاب و بیان چند ضروری مسایل تفسیر یافته
 مفید خاص عام و موسوم به معین الاسلام که کافه مسلمین بطالعاش دل اعمال
 و عبادات فرضیه نمودن نهانند و تعظیم و تشریف استنداد و تکریم و احترام و فضیلت
 خلاصه خاندان مصطفوی و نقاد و دوستان مقتضوی و اهل علوم فروع و اصول کاشف قایم
 معقول و معقول محمدی الذکرین نخبه العابدین اودنی و المومنین و سید محمد صالح
 بن سید اسمعیل صاحب مهوری دام فیضه محض بنظر افاده طلبا سنده مدارس غیره و بعضی
 فرموده برائے الطباع بطبع نذیر الطبری به عطا فرموده پس بلا بدین تالیف
 قصه طبعش نه نماید و نخیال حصول منفعت نقصان نه و ای و فقط

العبد

بیشتر حال



